

مقدمه بر جامعه شناسی شهری ایران

[۹]

ر - ترکیب مشاغل در شهرها

شاخص دیگر سرزمین‌هائی که توسعه اقتصادی کم یافته اند وجود بیکاری «پنهان» است ^۱ مراد از آن این است که گروههای انبوهی از جمعیت - چه در شهر و چه در روستا - از روی اضطرار به کارهائی تن داده‌اند که نه تولید ملی را به وجه شایسته‌ای افزایش می‌دهد و نه تکافوی معاش ایشان را می‌کند، به نحوی که اگر آنان را از ادامه چنین کارهائی باز دارند کاهشی محسوس در میزان درآمد رخ نخواهد نمود ^۲. در این مورد فرق نمایی بین این سرزمین‌ها و مناطق صنعتی دیده می‌شود زیرا در ممالک اخیر بیکاری از نوع دیگر و به اصطلاح «آشکار» است ^۳ و گاهی نتیجه پیشرفت زیاد فنی و ورود صنایع خودکار است که نیاز به کارگران را می‌کاهد و گاهی بر اثر نوسانات و بحران‌های اقتصادی است که ظهور می‌کند ^۴. این قسم بیکاری را از آن رو آشکار خوانده‌اند که گرفتارانش هیچگونه اشتغالی ندارند و ناچار به انتظار کار می‌نشینند و گاهی نام خود را در دفاتر مخصوصی به این منظور ثبت می‌کنند و احياناً از دولت غرامت خاصی در طلبی این مدت دریافت می‌دارند.

علت عمده بیکاری نمایان و به زبان دیگر «فقدان کار» در سرزمین‌های کم توسعه نادر و گاهی نایاب است این است که منبع اعظم درآمد این کشورها زراعت به اسلوب قدیم است و هر گاه نقصانی در تقاضای محصولات کشاورزی روی دهد نتیجه آن به جای اینکه بیرون ریختن کارگران کشاورز باشد در تغییر قیمت این محصولات منعکس می‌شود. پشتیبانی خانواده و اتکاء نیروی کار بر چنین نهاد استواری در جامعه مانع وقوع بیکاری آشکار می‌گردد و چون ماشین و صنعت جدید درزندگی این نقاط با راه نکرده با پایه استوار نهاده است بیکاری به وجهی نهفته می‌ماند و احتمالاً از طریق مهاجرت روستائیان به شهرها منتقل می‌گردد. در شهرهای این ممالک نیز چون صورت پیشه‌وری در صنایع با جزئی‌دگرگونی برجا مانده است امکان پدیدار شدن بیکاری کم است. حمایت پدرانه ^۵ استاد پیشه‌ور از شاگردان خود از سوئی و عادت اینان به قناعت و ساده زیستن از سوی دیگر - ولو پیشرفتی در ابزار و فنون کار حاصل شود - کارگران «اضافی» را بر سرجا نگه می‌دارد.

۱ - Chomage déguise

۲ - Nurkse : problems of capital formation in under - developed countries , Oxford , 1959

۳ - Chômage visible

۴ - Chômage technologique et Cyclique

۵ - Esprit Paternaliste

به عبارت دیگر بگوئیم بیکاری - بطور مطلق - در ممالک «توسعه یافته» زاده تحول سریع صنعتی و بی ثباتی اقتصادی است و در کشورهای کم رسته از رکود اقتصاد و نظام اجتماعی حکایت می کند. در داخل کشورهای «کم توسعه» نیز وضع کار و بیکاری در ده و شهر یکسان نیست. نحوه ابتدائی کشاورزی و ضعف صنایع دستی محلی در دهها سبب می شود که اکثریت روستائیان چند ماهی از سال را به عطلت بگذرانند و بیکاری «فصلی» جلوه نماید. این نوع بیکاری در دهات کوهستانی که از شدت سرما نزدیک نیمی از سال را در کنج خانه و درون کانون خانواده سر می کند قوت مخصوص دارد و هر کجا برداشت محصول سالی یکبار بیشتر مقدور نشود و تأثیر قوه جاذبه شهری نزدیک که بیکاران را به هوای مشاغل حقیر کوتاه مدت به خود می کشد در میان نباشد به چشم می رسد. این بیکاری آشکار است اما بیکاری اساسی روستائیان از نوع نهائی که پیشتر به آن اشاره شد و بیماری مزمن دهها را تشکیل می دهد. سهولت ارتباط میان ده و شهر خود مولد بیکاری جمعی از دهقانان است زیرا ورود بسیاری از کالاهای ارزان بهای ساخته شهر که سابقاً در خود ده و به دست دهقانان تولید می شد جمعی از اینان را آشکارا بیکار می کند. گاهی هم بیکاری روستائی نتیجه طبیعی عامل جمعیتی شمرده می شود. ازدیاد نفوس که به دنبال کم شدن مقدار مرگ و میر در سالهای اخیر وثابت ماندن میزان باروری قدیم روی نموده است بر سر گنجایش اقتصادی بسیاری از دهات بیش گرفته خود این لبریزی جمعیت محرك هجوم دسته هائی از دهقانان به شهرها گردیده است. مهاجران به شهر رسیده نخست به دستگاههای صنعتی روی می آورند و چون این صنایع قدرت جذب محدودی دارد به سوی مشاغل دیگر خصوصاً خدمات رانده می شوند. از این جاست که آن شهرها به بیکاری پنهان که به صورت خرده فروشی ناچیز دوره گردان و مانند آن ظاهر می شود مبتلی می گردند. این انتقال از زمینه اول فعالیت های اقتصادی به زمینه سوم به همان نتیجه ای می انجامد که در ممالک توسعه یافته صنعتی بر اثر تکامل اقتصادی حاصل شده است. روشن تر بگوئیم هم چنانکه پیش از این بیان شده است - رشد اقتصادی، دستگاههای اداری را به سطح فوق العاده می دهد و شماره کسانی را که «به خدمات» به معنی اعم اشتغال دارند چند برابر می کند در کشورهای کم توسعه این گسترش دامنه فعالیت های نوع سوم «خدمات» بر اثر ضعف فعالیت های نوع دوم «صنعت» رخ می دهد. نوکری در خانه و دستفروشی بی اهمیت در خیابان پناهگاه نوده های روستائیان می شود که در صنایع پذیرفته نشده اند.^۱

از صناعات ممالک تازه به راه توسعه افتاده آنکه بیش از همه نیروی حضم تازه آمدگان را دارد صنایع ساختمانی است. رونق اینها علی چند دارد یکی آن که این گونه صنعت بیش از صنایع دیگر از آسیب رقابت صنایع نیرومند خارجی مصون است - هجوم کالاهای

۱ - اهمیت نوع سوم فعالیتها در ایران امری محقق است سرشماری عمومی کشور تعداد کسانی را که تنها به خدمات به معنی اخص (سرویسها) گماشته شده اند ۶۵۶ هزار نفر یعنی ۱۱ درصد کل جمعیت شاغل می شمرد.

ارزان ساخته بیکانه به این معالک پیشرفت هر صنعتی را جز این نوع بس دشوار می کند دودیکر آن که استقرار صنایع جدید در چنین کشورها - پیش از هر کار دیگر - مستلزم پایه ریزی هائی چون ساختمان راه و بندر و عمارات مختلف است . علت سوم ارج و بهای خاصی است که « زمین » در این گونه نظام اقتصادی حائز است . زمین از دیر باز - از عهد فتودالی به این سوی - منشأ قدر و احترام اجتماعی و تکیه گاه قدرت بوده است از همین روست که امروزه بازرگانان و طبقه « بورژوا » به تملک دهات - که سابقاً بیول شاهزادگان و اشراف بود - اشتیاقی خاص نشان می دهند . حتی وقتی که مالکیت اراضی مزروع اهمیت خود را از دست می دهد داشتن مستغلات سبب تحصیل منافع مادی و اعتبار اجتماعی می شود . تازه به ثروت رسیدگان که از معاملات اراضی و احیاناً زمین خواری به تمکن دست یافته اند چون هنوز سرمایه گزاری در امور تولیدی در این کشورها رواج نگرفته و خوی مردم نشده است مال خود را در ساختمان ها به کار می اندازند و بناهای معظم شکوهمند بیا می دارند و توانگری خود را به رخ دیگران می کشند . نا گفته نماند که توسعه شهرنشینی و تزیید روز افزون جمعیت در شهرهای مهم نیز احتیاج به مسکن را فزونی می دهد و خود یکی از علل رونق کار های ساختمانی می شود این نوع کار دانش و ورزیدگی خاص نمی خواهد . هر کشاورزی را به عنوان عمده دربنائی یا چون کلاگر در صنایع تهیه مصالح ساختمانی می توان منصوب کرد . از این روست که اکثریت روستائیان را در این رشته از فعالیت های اقتصادی باز می بایم .^۱

هنگامی که چنین کشورها در مسیر توسعه اقتصادی پیش می رود گاهی بیکاری « ادواری » نمودار می شود . علت بروز این مشکل کمال صنعت و خود کاری ماشینی نیست رقابت صنایع خارجی است که گاه گاهی صنایع نوخاسته این معالک (چون نساجی) را به مضیقه می اندازد و باعث ترخیم جمعی از کارگران می شود . وابستگی اقتصاد این کشورها به معالک پیشرفته ، خاصه در زمینه استفاده از منابع طبیعی (مانند نفت) و صدور مواد خام ،

۱ - از ۷۱۸ هزار کسانی که در شهرهای ایران به مشاغل مربوط به تغییر شکل مواد اولیه (پیشه وری - صنعت) پرداخته اند بیشترین عده که ۱۳۶ هزار نفر باشد بکارهای ساختمانی مشغول اند . در میان صنایع ، نساجی از لحاظ شماره کارکنان مقام دوم را دارد (۷۱ هزار نفر) - از جمع کارکنان صنایع و امور ساختمانی ۸۱ هزار نفر (نزدیک به شصت درصد) کارگرانی هستند که نه هیچگونه مهارت دارند و نه بکارهای تخصصی گماشته شده اند (مأخذ : بررسی سازمان برنامه و وزارت کار - مهر ماه ۱۳۳۷) سرشماری کشور (۱۳۳۵) آن جا که آمار مربوط به تقسیمات عمده فعالیت دسته جمعی را به دست می دهد برای « ساختمان » شماره کارکنان را ۳۳۳ هزار تعیین می کند این رقم با مقایسه با انواع متعدد صنایع ماشینی و دستی که تنها ۸۲۲ هزار رابه خود مشغول داشته است اهمیت خاص فعالیت های ساختمانی را معلوم می دارد .

بیز خطر بیکاری متناوب را همواره فرا راه ایشان می‌دارد .
 يك نوع بیکاری نهانی در شهرهای از این قبیل هست و آن از نامعقول بودن تشکیلات
 اداری ناشی است . گاه تقسیم وظائف چنان نادرست و غیر منطقی شده است که بیش از ربع
 کارمندان زیاده بر احتیاج هستند و اثری بر حضورشان مترتب نمی‌شود^۱ .

*

وجود چنین بیکاری‌های مزمن - پنهان یا آشکار - نتایج چندی برای اقتصاد مملکت
 به بار می‌آورد : جمعی را به طفیل زحمت افراد مولد نگه داری می‌کند و چون در آمد
 و قدرت خرید آن جمع اندک است بازار داخلی گرمی و گشایش کافی حاصل نمی‌کند و
 اقداماتی که به توسعه صناعت یا حتی فلاحت مصروف می‌شود بر اثر همین قلت تقاضا به توفیق
 نمی‌رسد خود ارزانی و فراوانی کارگران خاطر کارفرما را از خرید ماشین‌گران به‌سایه
 منصرف می‌کند و بالنتیجه نیروی تولید بالانمی‌گیرد . وقتی که شماره کارگران وجودندگان
 کارچندان بزرگ بود سطح مزدها پائین می‌ماند و وضع قوانین کار و حمایت کارگران و
 تشکیل سازمان‌های کارگری عملاً بی‌فائده و بی‌اثر می‌شود . خود نبودن ترتیبی برای حفظ
 حقوق کارگران مجال آنرا می‌کشد که خریداران - که بازوان کم زورشان را به درهمی
 چند می‌توان خرید - به عوض بزرگتران استخدام شوند و به جای آنکه به دبستان بروند
 به کاری کم حاصل و کم اجر روی نهند . عجب نیست - که به حسابی که شده است^۲
 کمتر از چهل درصد کودکان واقع در سن دبستانی ، اینک به مدارس ابتدائی در ایران
 می‌روند و در تمام جمعیت دهساله به بالا پانزده درصد با سواد بیشتر پیدا نمی‌شود^۳ .

*

سرشماری سال ۱۳۳۵ در ایران مجموعه افرادی را که به زراعت و جنگلبانی و
 شکار و ماهیگیری و مشاغل مربوط بدانها مشغول هستند ۳۰۱۷۵۰۰۰ می‌شمرد (بیش
 از ۵۳ درصد کل مردان و زنان شاغل ده ساله به بالا) . این نسبت برای ممالک پیشرفته

C. Racine ,

Administration publique en Iran , O . N . U .

۲ - رك . آمارهای گردآورده م . اهری و ش . راسخ در جزوه انگلیسی موجودی
 های فرهنگی و بهداشتی و وسائل رفاه شهری در ایران ، از اشارات دفتر اقتصادی
 سازمان برنامه .

۳ - رك . « آمار در ایران » نشریه سالنامه آمار عمومی - شماره اول - دی
 ماه ۱۳۳۸ نسبت بی سواد در ایران نزدیک به حداکثر ممکن است . همین نسبت برای
 جمعیت دهساله به بالای بعضی از ممالک توسعه نیافته بدین شرح است :

آرژانتین ۱۷ درصد - برزیل ۵۷ درصد - ترکیه ۷۰ درصد - مصر ۸۶ درصد -
 هندوستان بیش از ۹۰ درصد - نسبت مذکور برای کشورهای دارای توسعه اقتصادی از ۳ تا ۴
 درصد نمی‌گذرد .

بسیار کوچکتر است ۱ و این خود یکی از نشانه های دیگر شدت یا خفت رشد اقتصادی است. سرشماری کشور ملاکی را که اقتصاد شناسان در تفکیک مشاغل به کار برده اند و (فعالیت های نوع اول - دوم و سوم چنانکه از پیش گذشت) رعایت نکرده است. معذک نقل نتایج آن عاری از سود نخواهد بود.

شماره	تقسیمات عمده مشاغل	تعداد کارگران نسبت درصد	مرد وزن	ترتیب
۱	مشاغل حرفه‌ای - تخصصی و فنی و کارهای مربوط به آن	۲/۶	۲۱۵۱۰۰۰	۱
۲	مشاغل مربوط به امور اداری و منشی گری و امور مربوط به آن	۲/۶	۱۵۶۱۰۰۰	۲
۳	فروش و مشاغل مربوط به آن	۶/۸	۴۰۷۱۰۰۰	۳
۴	مشاغل مربوط به زراعت و جنگلبانی و شکار و ماهیگیری	۵۳/۷	۳،۱۷۵،۰۰۰	۴
۵	امور مربوط به استخراج معدن و استخراج سنگ و حفاری	۰/۸	۵۲،۰۰۰	۵
۶	مشاغل مربوط به حمل و نقل	۲/۷	۱۶۰،۰۰۰	۶
۷	حرفه‌های صنعتی و عملیات تولیدی و مشاغل مربوط به آن	۱۷/۳	۱،۰۲۲،۰۰۰	۷
۸	مشاغل مربوط به انجام دادن خدمات	۸/۲	۴۸۷،۰۰۰	۸
۹	مشاغل مربوط به خدمات ثابت لشکری و مشاغلی که دقیقاً مشخص یا اظهار نشده	۳/۹	۲۳۲،۰۰۰	۹

شهر جمع علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ۵۰۹۰۸۱۰۰۰ ۱۰۰
جدول آینده همین تقسیمات را برای سه شهر بسیار کلان، بزرگ و متوسط ایران به دست می‌دهد و راه را بر مقایسه و تحلیل آن نسبت ها باز می‌کند:

جمعیت شهر	جمعیت شهر	جمعیت شهر	تقسیمات
۴۵۹۵۵ نفر	۲۸۹،۹۹۶ نفر	۱،۵۱۲،۰۸۲ نفر	عمده مشاغل
کاشان	تبریز	تهران	۱
۰/۲/۵	۳/۱	۴/۶	۲
۳/۵	۵/۶	۱۱/۴	۳
۸/۴	۱۴/۲	۱۴/۹	۴
۶/۹	۳/۷	۱/۵	۵
۰/۶	۰/۸	۱/۴	

۱ - در انگلستان ۶ درصد از جمعیت فعال ذکور به کشاورزی و ماهیگیری مشغول هستند در مصر ۵۹ و در ایران قریب به ۵۷ درصد.

تقسیمات عمده مشاغل	جمعیت شهر	جمعیت شهر	جمعیت شهر
۶	۵/۸	۳/۷	۱/۴
۷	۳۳	۴۸/۵	۶۸
۸	۱۸/۷	۱۳	۷/۲
۹	۸/۲	۶/۶	۰/۵
	۴۹۰۷۲۷ نفر	۸۸۹۳۹ نفر	۱۹۸۹۲ نفر
	کل شاغلین	کل شاغلین	کل شاغلین
	= ۱۰۰	= ۱۰۰	= ۱۰۰

اگر نسبت‌های یاد شده را - چنانکه سرشماری عمومی کشور معلوم داشته است - قبول کنیم و باهم بسنجیم نکاتی از چگونگی زندگی اقتصادی آن شهرها که همه مراکز حوزه‌ها هستند - بدست می‌آوریم مثلاً طهران از جهات بسیار نسبت به متوسط شهرهای ایران متمایز است افراد متخصص که در تمام کشور ۳/۶ درصد به حساب آمده‌اند در طهران بالغ بر ۴/۶ درصد می‌شوند رونق تجارت و تمرکز ادارات و دفاتر عمده را در طهران دو رقم ۱۱/۴ و ۱۴/۹ درصد به خوبی منعکس می‌کند نسبت کسانی که به حمل و نقل می‌پردازند در طهران از شهرهای دیگر و میانگین آن در کشور فزودتر است (۵/۸ درصد) و این نشانه دیگری از اهمیت جغرافیائی و اقتصادی طهران است فعالیت‌های نوع اول (کشاورزی و مانند آن) در شهر طهران از دیگر شهرها بسیار ضعیف‌تر است (فقط ۱/۵ درصد شاغلین در این شهر به این امور می‌پردازند در حالی که نسبت مذکور برای تبریز و کاشان ۳۱۷ و ۶/۹ است) و این پیشرفت یا بتخت را در مسیر شهرنشینی خوب نشان می‌دهد اگر نسبت صنعتگران به کل شاغلین در طهران از آن نسبت در تبریز و کاشان کمتر است (۳۳ در برابر ۴۸/۵ و ۶۸ درصد) این را نباید بر ضعف صنایع و عملیات تولیدی در طهران در مقابل دو شهر دیگر حمل کرد تفسیر مطلب این است که هم چنانکه گفته‌ایم وقتی که صنعت و شهرنشینی رو به کمال می‌رود آن چه که فعالیت‌های نوع سوم خوانده می‌شود اعم از امور اداری - منشی گری - حمل و نقل - فروش و خدمات به معنی اخص (چون مستخدمی در خانه و مؤسسات) افزایش و توسعه خاص پیدا می‌کند در قم ۱۸/۷ درصد گواہ این امر است .

*

شهرنشینی خود مقتضی و موجد مشاغل تازه ای است از مشاغل مربوط به وسائل نقلیه گرفته (کاراژ داری - تعمیرکاری - الخ) تا تنظیم تفریحات تجارتهی و مانند آن در شهر و ازیرکت زندگی شهری پیدا می‌شود توسعه می‌یابد . بقیه دارد

جمشید بهنام - شاپور راسخ